

# نوبنیاد

روزنامه سراسری  
صبح ایران

## جبران کم کاری دولت

با اعلام اولیه سخنگوی دولت مبنی بر عدم پرداخت هزینه بازسازی واحدهای تخریب شده، نگرانی زیادی میان آسیب دیدگان جنگ ایجاد شد. اما یک روز بعد، شهردار تهران این موضوع را اصلاح کرد و گفت مردم هزینه‌ای پرداخت نخواهند کرد. سپس علیرضا زاکانی نیز توضیحاتی درباره اقدامات شهرداری برای جبران خسارت‌ها ارائه داد.

۲



# ثمره آتش بس معیوب

۷



### مطالبه پایان اشغالگری متوجه دولت لبنان است

۶

صفحه ۴

اقتصادی

### بورس روی دور تند صعود

دی ماه سال گذشته و پس از اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز و حذف ارز ترجیحی بود که دولت از تصویب یک بسته حمایتی ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی برای جبران آثار این سیاست بر تولیدکنندگان خبر داد. هدف این بسته، حمایت از واحدهای تولیدی بود که پس از تصمیم ارزی دولت، هزینه‌های آن‌ها به شدت افزایش پیدا کرد.

### شغل آقازاده؛

### پسر رئیس جمهور!

۳

صفحه ۵

اقتصادی

### وعده تو خالی افزایش کالا برگ

با وجود وعده‌های مکرر دولت چهاردهم برای افزایش مبلغ اعتبار کالا برگ متناسب با رشد قیمت کالاهای اساسی، سخنگوی دولت اعلام کرد که فعلاً خبری از افزایش کالا برگ نیست؛ موضوعی که در عمل به معنای تداوم کاهش قدرت خرید خانوارها در برابر موج گرانی است.

### بازی بی‌سرانجام در میز مذاکره

امیر شهشهانی  
روزنامه‌نگار

از میان خبرهایی که این روزها درباره مذاکرات و آتش بس احتمالی منتشر می‌شود، گزارش رون برگمن در پدیعوت آحارونوت به عنوان یکی از نزدیک‌ترین چهره‌های رسانه‌ای به محافل امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی قابل تامل است. برگمن به نقل از منابع خود فاش می‌کند که دونالد ترامپ پس از آنکه پاسخ مورد انتظار خود را از تهران دریافت نکرد، تصمیم گرفته متن چارچوب توافق را تغییر دهد و شروط جدیدی را به طرف ایرانی ابلاغ کند.

متن کامل در صفحه ۷

در شرایطی که دولت از مسئولیت بازسازی منازل آسیب دیده از جنگ سر باز زد، شهرداری تهران عملکرد قابل قبولی از خود به جای گذاشت

## جبران کم کاری دولت

سخنان سخنگوی دولت را اصلاح و تاکید کرد که مردم آسیب دیده متحمل هیچ هزینه ای نخواهد شد. در همین راستا روز گذشته علیرضا زاکانی، شهردار تهران، توضیحاتی در خصوص اقدامات و عملکرد شهرداری تهران درباره جبران خسارت های جنگ ارائه داد.

۲۵ فروردین سال جاری با اعلام فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت درباره اینکه دولت پول بازسازی واحدهای تخریب شده را نمی دهد، موجی از ناامیدی و نگرانی در میان صاحبان واحدهای مسکونی آسیب دیده در جنگ شکل گرفت. یک روز پس از آن، شهردار تهران



جعفر کاظمی روزنامه نگار

و نوسازی کامل دارد، اظهار کرد: این خانواده ها باید به طور موقت در منازل استیجاری ساکن شوند. هزینه ودیعه و اجاره این خانه ها را شهرداری تهران، سازندگان و بانک عامل پرداخت می کنند. در همین هفته، بخش مهمی از این خانواده ها یا به خانه های خود نقل مکان می کنند یا منزل استیجاری را نهایی و تجهیز خواهند کرد. شهردار تهران با بیان اینکه پرداخت ودیعه مسکن از چهار هفته قبل آغاز شده، گفت: در منطقه ۴ به عنوان نمونه، از حدود ۵۰۰ واحد آسیب دیده، ۱۱ خانواده ودیعه مسکن خود را تحویل گرفته اند و سایر خانواده ها نیز با تشکیل پرونده در اولین فرصت ودیعه را دریافت خواهند کرد. هدف ما این است که تا پایان تیرماه پرونده ودیعه ها بسته شود. زاکانی با اشاره به حمایت های مالی تصریح کرد: در شهر تهران به طور میانگین، یک ودیعه کامل دو میلیاردی و ماهانه ۴۰ میلیون تومان بابت اجاره پرداخت می شود. این رقم میانگین است و بسته به متر و موقعیت ممکن است برای برخی واحدها بیشتر یا کمتر باشد. شهروندان برای بازسازی و نوسازی، هیچ پولی نباید به سازندگان پرداخت کنند. به گفته زاکانی علاوه بر تأمین اجاره خانواده هایی که منازلشان آسیب جدی دیده است، مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان کمک بلاعوض برای خرید برخی از ملزومات ضروری منزل نیز به آنها پرداخت می شود.

خسارت های وارد شده به شهر تهران بیش از ۵۱ هزار واحد مسکونی بود، در حالی که این رقم در جنگ ۱۲ روزه تنها ۸۵۲۰ واحد بود. شهردار تهران با تأکید بر سرعت گرفتن روند بازسازی افزود: پرونده تعمیر، بازسازی و نوسازی این بالغ بر ۵۱ هزار واحد را در تیرماه می بندیم و تعیین تکلیف می کنیم. به طوری که حدود ۴۰ هزار واحد دچار آسیب جزئی شده بودند که بازسازی نزدیک به ۹۹ درصد آنها به پایان رسیده است. حدود ۹ هزار واحد نیز آسیب بیشتری دیده بودند که بازسازی این بخش هم به زودی تمام می شود. وی با اشاره به ۲۵۰۰ واحدی که نیازمند تخریب و نوسازی کامل هستند، خاطر نشان کرد: از این تعداد، ۵۰۰ واحد در منطقه ۴ قرار دارد که نوسازی ۲۴۰ واحد از آن ها در یک برنامه دو ساله در خیابان جاجردی اجرا می شود. این مسیر با سرعت آغاز شده و حل مشکل مابقی واحدهای این منطقه نیز به تفاهم میان مالکان بستگی دارد. زاکانی درباره آخرین وضعیت اسکان آسیب دیدگان نیز توضیح داد: بر اساس آخرین آمار هفته گذشته، حدود ۶۰۰۰ نفر از شهروندان همچنان در هتل ها اقامت دارند که روند دریافت ودیعه و تخلیه هتل ها در این هفته شتاب بیشتری گرفته است. تا هفته قبل، حدود ۴۰ درصد از ساکنان هتل ها به منازل خود بازگشته اند. او با تشریح فرآیند اسکان موقت خانواده هایی که منازلشان نیاز به تخریب

روز گذشته علیرضا زاکانی شهردار تهران، کلنگ زنی احداث ۲۴۰ واحد مسکونی آسیب دیده در جنگ رمضان را آغاز کرد و گزارشی از میزان جبران خسارت ها و رسیدگی به منازل آسیب دیده از جنگ ارائه داد. عملکرد شهرداری تهران در جبران خسارت در حالی صورت می گیرد که بعد از جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه مسئله آسیب دیدگی منازل مسکونی و جبران خسارت شهروندان آسیب دیده از جنگ، مایه نگرانی و دغدغه بسیاری از مردم کشورمان شده بود. موضوعی که با اظهارات فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت که گفته بود: «دولت پول بازسازی منازل را نمی دهد، فقط تراکم شناور می دهیم تا سازنده رغبت کند خانه را دوباره بسازد.» منجر به تشدید نگرانی ها شده بود. در واکنش به همین موضوع علیرضا زاکانی یک روز پس از اظهارات سخنگوی دولت اعلام کرده بود: «خانوارها برای خانه های آسیب دیده در تهران هیچ هزینه ای نباید بدهند و وظیفه شهرداری است که جبران کند.»

در همین راستا علیرضا زاکانی روز یکشنبه، ۱۰ خرداد ماه ۱۴۰۵ در مراسم آیین کلنگ زنی احداث ۲۴۰ واحد مسکونی آسیب دیده از جنگ رمضان گفت: امروز توفیق داریم که کار نوسازی ۱۱ پلاک با ۲۴۰ واحد را رسماً آغاز کنیم. در جریان جنگ رمضان، میزان

### خبر کوتاه

#### قالیباف: تا حقوق ملت ایران گرفته نشود، هیچ توافقی را تأیید نخواهیم کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی در نشست مجازی مجلس گفت: سربازان میدان مبارزه دیپلماسی، هیچ اعتمادی به حرف ها و وعده های دشمن ندارند. آنچه برای ما ملاک است دستاوردهای عینی است که باید کسب کنیم تا در مقابل آن دست به انجام تعهدات خود بزنیم و تا اطمینان پیدا نکنیم که حقوق ملت ایران را گرفته ایم، هیچ توافقی را تأیید نخواهیم کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه با بیان اینکه توفیق کمتری برای حضور کنار عزیزان دارم و از این بابت دلتنگ شده ام ابراز امیدواری کرد شرایط به گونه ای فراهم شود که جلسات صحن مجلس بصورت علنی برگزار گردد.

#### نیلی: تعهد به آمریکا تأیید ضمنی ادعاهای دروغین آنهاست

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در حساب کاربری خود خطاب به پژوهشگران و قالیباف نوشت: معنی تعهد به دشمن متجاوز و تا دندان مسلح به اینکه «سلاح هسته ای نمیخواهیم»، جدای از تحمیل خفت و تهدید پذیری به ملت باشرف ایران، و جدای از حرمت شرعی عبور شما از خط قرمز صریح رهبری در مذاکرات، به معنای تأیید ضمنی ادعاهای دروغین قبلی آنان در اینباره و به معنای کوچکی دادن به ترامپ و باز کردن راه ورود مجدد جاسوسان نحس آژانس و حتی نیروهای نجس آمریکایی در ایران برای راستی آزمایی تعهدات شما در هر جایی است که آن ها بخواهند!

#### خضریان: صندوق سرمایه گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری، وعده سرخرمن است

نماینده مردم تهران در تجمع مردمی میدان تجریش تهران گفت: موضوع پرداخت غرامت تجاوز و خسارات وارد شده باید به صورت صریح ذکر شود. پیشنهاد یک صندوق سرمایه گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری که باید برنامه آن مورد توافق با آمریکا قرار گیرد، فقط یک وعده نسیه سرخرمن است که قطعاً به نتیجه نخواهد رسید. دلیل، تجربه های گذشته است؛ پیشنهاد صندوق بازسازی باعث می شود که متجاوز از لحاظ حقوقی در راه الهی از ابهام قرار گیرد.

#### خلجی: به مردم میدان دار و مبعوث شده رحم کنید

رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم در واکنش به اظهارات اخیر یک کارشناس اقتصادی با بیان اینکه یک جبران در کشور هیچ هنری برای حل مشکلات جز انداختن کشور در دور باطل گرانساز و نابود کردن زندگی مردم ندارند. اظهار داشت: فاز اول کودتای اقتصادی در اوایل دیماه سال قبل با افزایش قیمت بنزین، رها کردن نرخ ارز و کالاهای اساسی به صورت همزمان شروع شد که به جنگ و دخالت بیگانه و نهایتاً شهادت امام عزیز و فرماندهان و مردم انجامید. در فاز دوم کودتای اقتصادی چه فاجعه ای رقم خواهد خورد؟ به این مردم میدان دار و مبعوث شده رحم کنید و دور باطل گرانساز را متوقف کنید!

#### نیویان: قطعنامه شورای امنیت تضمین توافق احتمالی نیست

نماینده مردم تهران در مجلس در حساب کاربری خود در ویراستی نوشت: شنیده ها حاکیست که تضمین تعهد طرفین در توافق احتمالی، قطعنامه شورای امنیت است! آیا قطعنامه شورای امنیت تضمین برجام نبود؟ سرنوشت برجام چه شد؟ ضمانت های ایران در فرض توافق باید ۱۰- انسداد کامل تنگه هرمز در صورت تخلف دشمن باشد ۲- غنی سازی در هر سطحی ۳- تصویب توافق در کنگره آمریکا. عبرت بگیریم.



### جزئیات تعمیر واحدهای مسکونی

محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران آخرین آمار پیشرفت تعمیرات واحدهای مسکونی را اعلام کرد: پیشرفت ۹۷ درصدی ۳۹۴۷۴ واحد مسکونی نیازمند به تعمیرات جزئی - پیشرفت ۸۲ درصدی ۸۸۹۹ واحد مسکونی با درجه متوسط - پیشرفت ۳۶ درصدی ۷۴۸ واحد مسکونی نیازمند به مقاوم سازی - پیشرفت ۴۰ درصدی ۱۷۸۲ واحد مسکونی نیازمند به تخریب و نوسازی

### خیابان

## مردم خیابان را دلسرد و بی انگیزه نکنید

بدون تردید یکی از مهم ترین مؤلفه های قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران، حضور خیابانی مردم در میادین و حمایت آنها از میدان و نیروهای مسلح است. موضوعی که علاوه بر خنثی سازی توطئه دشمن آمریکایی-صهیونیستی مبنی بر تبلیغات جهانی علیه ایران، باعث شد خیال میدان و نیروهای مسلح از فتنه و جنگ داخلی راحت شود تا با اراده ای منسجم تر، تنها دغدغه مبارزه میدانی در برابر دشمن متجاوز را داشته باشند. در همین راستا نباید به مسائلی که باعث کاهش حضور خیابانی مردم می شود پرداخت. مردمی که به خون خواهی رهبر شهید انقلاب بیش از ۹۰ روز در میادین حضور دارند نباید با برخورد های وحدت شکنانه ای که با اسم وحدت انجام می شود مواجه باشند. گرفتن انگیزه حضور و برخورد با نقدهای دلسوزانه مردم خیابان که غالباً از طریق پلاکاردهای محتوایی متعدد به مسئولین منتقل می شود، از جمله مواردی است که نباید ساده از کنار آن گذشت. مردم خیابان نیاز به شفافیت و صداقت دارند و این توقع صحیح نیست که نسبت به مذاکرات و کم رنگ شدن ادبیات انتقام رهبر شهید انقلاب سکوت کنند. با سکوت دلسوزان خیابان نسبت به مذاکرات نامطمئن و پر ابهام که از رسانه های آمریکایی به گوش می رسد. شاید خیال برخی مقامات سیاسی آسوده شود، اما پیام خطرناک آن یک چیز است: دلسردی و کاهش انگیزه حضور مردم! خیابان خالی یعنی تیر دشمن به قدرت معنوی جمهوری اسلامی ایران به هدف خواهد خورد. بنابراین نباید با نادیده گرفتن خطوط قرمز تعیین شده از سوی رهبر انقلاب، مردم خیابان را دلسرد و بی انگیزه کرد.



## دولت

## شعبده بازی مهاجرانی؛ ستاد ویژه همان شورای عالی انقلاب فرهنگی است!



حواشی اقدام غیرقانونی دولت چهاردهم در راه اندازی ستاد ویژه راهبری فضای مجازی که ساختاری موازی با شورای عالی انقلاب فرهنگی است همچنان ادامه دارد. موضع دولت با وجود تصریح دیوان عدالت اداری بر غیرقانونی بودن ستاد تازه تاسیس، کماکان پافشاری بر موضع قبلی است. روز گذشته فاطمه مهاجرانی سخنگوی پرحاشیه دولت در مصاحبه‌ای تلویزیونی مدعی شد: خوانشی که دولت از موضوع تشکیل ستاد ویژه راهبری فضای مجازی دارد این است که این ستاد همان شورای عالی فضای مجازی و شبیه به همان است. سخنگوی دولت البته در پاسخ به این سوال که اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب رهبر انقلاب هستند اما آیا رئیس دولت می‌تواند ستادی هم سطح شورای عالی تشکیل دهد، از پاسخ طفره رفت و با این جمله که من حقوقدان نیستم، پاسخ را به حقوقدانان حواله داد! مهاجرانی حتی به دیوان عدالت اداری هم کنایه زد و گفت: از این سرعت عمل دیوان عدالت اداری تشکر می‌کنم. خیلی سریع جواب دادند و این جای خوشحالی دارد! علاوه بر حواشی متعدد، نکته قابل توجه در خصوص ستاد ویژه راهبری فضای مجازی، عدم حضور مقامات مسئول در جلسه اخیر آن بود چنانکه گفته می‌شود دادستان کل یا نماینده او اساساً در جلسه اخیر این ستاد حضور نداشته است. برجسته‌ترین نقطه ضعف مقامات دولتی در این ماجرا است. دولت ابتدا در شورای عالی امنیت ملی به قطع اینترنت بین الملل رأی داد، اما بعداً به جای بازگشت به همان نهاد و اصلاح مصوبه از مسیر قانونی، با تشکیل ستاد ساماندهی (که دولتی است) اداری آن را غیرقانونی اعلام کرده) اقدام به بازگشایی اینترنت کرد. این دورزدن صریح مصوبه قبلی خود دولت، نشان‌دهنده رویکرد «حاکمیت‌گزینی» است؛ قانونی که با منافع دولت همخوان باشد اجرا می‌شود و آنچه مانع باشد، نادیده گرفته یا با نهاد موازی دور زده می‌شود.

روند تصاعدی حضور پسر پزشکیان در جلسات عالی و اظهارنظرهای شاذ و هزینه‌ساز او انتقادبرانگیز شده است

## شغل آقازاده؛ پسر رئیس جمهور!

ماجراهای فرزندان مسعود پزشکیان، هر بار برگ جدیدی در سپهر سیاسی کشور و می‌کند و این بار نوبت به یوسف پزشکیان رسیده است. مسئله اصلی این است که او در دولت چه جایگاهی دارد که از جلسات مهم و حساس تا نشست‌های تخصصی و تصمیم‌سازی‌های کلان در کنار رئیس جمهور دیده می‌شود؟ اگر مسئولیتی رسمی دارد، حدود اختیارش چیست و چرا درباره آن شفاف‌سازی نمی‌شود؟ و اگر صرفاً دستیار رئیس دفتر رئیس جمهور است، چگونه به بخشی از جلساتی راه پیدا می‌کند که بسیاری از مدیران ارشد کشور نیز به آنها دسترسی ندارند؟ پرسش‌هایی که تا کنون پاسخ روشنی برای آنها ارائه نشده و هر روز بر ابهامات پیرامون نقش فرزند رئیس جمهور در دولت می‌افزاید.

سعید قاسمی  
روزنامه‌نگار

پرسش رازنده کرد که جایگاه واقعی یوسف پزشکیان در ساختار دولت چیست. اما ماجرا فقط به حضور در جلسات محدود نمی‌شود. یوسف پزشکیان در ماه‌های گذشته عملاً به راوی بخشی از پشت‌پرده‌های دولت نیز تبدیل شده است. یادداشت‌ها و نوشته‌های او در کانال تلگرامی «ناپیدا» و صفحه شخصی اش در «ایکس» بارها

خبرساز شده و در برخی موارد برای دولت و کشور حاشیه ایجاد کرده است. در میانه جنگ، انتشار توثیقی درباره ضرورت صداقت با مردم، به سرعت مورد بهره‌برداری رسانه‌های معاند قرار گرفت. مخالفان جمهوری اسلامی با استناد به همین نوشته تلاش کردند روایت رسمی کشور را زیر سؤال ببرند و اینگونه القا کنند که حتی نزدیکان دولت نیز به روایت‌های ارائه‌شده اعتماد ندارند. چندی بعد نیز یادداشت دیگری از سوی او منتشر شد که حاشیه‌های بیشتری به دنبال داشت. یوسف پزشکیان نوشت که در جلسه‌ای با برخی مسئولان دولتی این نگرانی مطرح شده بود که تهدید دونالد ترامپ علیه زیرساخت‌های ایران می‌تواند اشاره‌ای به حمله اتمی باشد. فارغ از صحت یا سقم این برداشت، اصل انتشار چنین محتوایی محل سؤال است. اگر او در چنین جلساتی حضور دارد، با چه عنوانی حضور پیدا می‌کند؟ و اگر به مباحث مطرح شده در آن جلسات دسترسی دارد، چرا باید برداشت‌ها و نگرانی‌های مطرح شده در فضای عمومی منتشر شوند؟

البته حضور پسر پزشکیان در کنار وی موضوع تازه‌ای نیست. تا پیش از جنگ ۱۲ روزه، ظهور و بروز زهرا



پزشکیان و همسرش در برنامه‌ها، سفرها و مناسبت‌های رسمی و غیررسمی رئیس جمهور بیش از سایر اعضای خانواده جلب توجه می‌کرد. اما پس از حواشی ایجادشده در جریان سفر قزاقستان و انتشار تصاویر بازگردی آنها در فروشگاه‌های تاریخی، حالا به نظر می‌رسد قرار است یوسف پزشکیان بار حاشیه‌سازی برای رئیس جمهور و دولت را از زمین بردارد. اما فارغ از اینکه کدام روایت به واقعیت نزدیک‌تر است، یک سؤال همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ یوسف پزشکیان دقیقاً چه جایگاهی در ساختار ریاست جمهوری دارد؟ اگر صرفاً دستیار رئیس دفتر رئیس جمهور است، حضور او در جلسات مهم دولت چگونه توجیه می‌شود؟ و اگر نقشی فراتر از این عنوان دارد، چرا به صورت شفاف برای افکار عمومی تبیین نشده است؟ تا زمانی که پاسخ روشنی به این پرسش داده نشود، این شائبه در افکار عمومی باقی خواهد ماند که مهم‌ترین عنوان شغلی این آقازاده در نهاد ریاست جمهوری، نه یک مسئولیت تعریف‌شده اداری، بلکه فرزند رئیس جمهور بودن است؛ موقعیتی که دسترسی فراوان ایجاد می‌کند اما مسئولیت و پاسخگویی متناسبی برای آن تعریف نشده است.

## یادداشت

## وقتی «آری» امام، معنای «نه» می‌دهد

محمدتقی نظریان مفید  
روزنامه‌نگار

در روزهای پرتلاطم کنونی، شاید کمتر سندی به اندازه نامه سرگشاده و تاریخی امام خمینی (ره) درباره انفصال آیت‌الله منتظری، جای خالی اش در میان بحث‌های سیاسی و اجتماعی احساس می‌شود. نامه‌ای که نه فقط یک حکم اداری، که یک کلاس درس در باب «مشروعیت و مصلحت» در نظام ولایی است. امام خمینی در فرازی از این نامه، با سوگندهایی تکان‌دهنده، پرده از یک معمای مهم در علم سیاست برمی‌دارد: «ولفهم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم...»؛ «ولفهم، من با نخست‌وزیری بازارگان مخالف بودم...»؛ «ولفهم، من رأی به ریاست جمهوری بنی صدر ندادم...».

سوال اینجاست: چطور امضای پای حکم نخست‌وزیر بازارگان، رئیس جمهور بنی صدر و قائم‌مقامی منتظری پای این اسناد حک شده، اما در دل، امام با آن‌ها مخالف بوده است؟ این تناقض ظاهری، ما را به مفهومی عمیق در حکمرانی دینی می‌رساند: «اذن اکراهی». یعنی جایی که ولی جامعه، به دلیل «اقتضایات حکمرانی» و نه از روی رضایت قلبی، به امری اذن می‌دهد.

این اذن به معنای «موافقت» نیست، بلکه به تعبیری «عدم مخالفت» تاکتیکی است برای حفظ کلان‌منافع نظام. از صلح امام حسن (ع) و پذیرش حکمیت در ماجرای صفین تا پرونده‌های معاصر سیاسی؛ تاریخ پر از مواردی است که رهبران دینی، برای عبور از بحران‌ها، ناگزیر به این نوع «اذن» شده‌اند. نخستین دستاورد این نگاه، پرهیز از یک اشتباه راهبردی است و آن استناد صرف به اذن و امضا برای اثبات رضایت کامل رهبر است.

به ویژه در موضوعات سرنوشت‌ساز، نمی‌توان صرفاً با استناد به یک اذن، تیراقت‌ها را به سوی منتقدان نشان رفت و دهان آنها را بست. باید در اصول همیشگی و بیانی‌های مکرر یک رهبر به دنبال «نظر واقعی» و «گشت، نه در حاشیه یک مجوز مقطعی». دومین ثمره این تحلیل آن است که هیچ‌کس حق ندارد با پشت‌گرمی یک «اذن» یا «امضا»، خود را در هاله‌ای از تقدس مصون از نقد بداند. چه بسیار کارگزارانی که با تکیه بر یک حکم، دهان منتقدان را بستند و خسارت‌ها به بار آوردند. تلخ‌ترین مثال در تاریخ معاصر، ماجرای برجام است.

برجام که به تعبیر امام شهید «خسارت محض» بود، با همین ترند توجیه شد: اگر رهبری مخالف بود، چرا اذن دادند؟ غافل از اینکه امام شهید برها از آن روند انتقاد کرده و انتساب آن را به خود نفی فرمودند. اما چون «اذن اکراهی» ایشان برای مذاکرات هرگز تبیین نشد، عده‌ای از آن به عنوان «سپرد دفاعی» برای فرار از پاسخگویی استفاده کردند و خسارت‌ها را به نام رهبری فاکتور زدند. سومین درس این نامه، خطاب به مردم و امت است: شما نیز نباید هر اذنی را نشانه «رضایت و حب قلبی» ولی بدانید. گاهی حرکت در مسیر یک «اذن اکراهی»، دقیقاً به معنای حرکت در خلاف مسیر «رضایت حقیقی» رهبری است. همین ناآگاهی است که گاهی اوقات، غربت تلخ یک رهبر و امام جامعه را رقم می‌زند؛ جایی که او در دل می‌گوید «نه»، اما امت به پای یک «بله» تاکتیکی، او را تنها می‌گذارند. جمع‌بندی آنکه نامه امام به منتظری، فقط یک سند عزل و نصب نیست؛ یک «کتاب راهنما» برای امروز ماست. درسی که می‌گوید: برای اینکه «انقلابی» بمانیم، باید بتوانیم بین «اذن مقطعی» و «رضایت همیشگی» امام جامعه تمایز قائل شویم. وگرنه هر روز، شاهد تکرار برجام و تکرار غربتی خواهیم بود که نامش حمایت از رهبری است، اما حقیقتش خسارت به نام امام و تنها گذاشتن ایشان است.

عدد خبر

۸۰

بررسی وضعیت عواید مستقیم دولت از بخش معدن نشان می‌دهد این درآمدها از مالیات‌ها و حقوق دولتی گرفته تا عوارض صادرات مواد معدنی، سهم دولت از عملکرد ایمیدرو و شرکت‌های آن و نیز برخی عوارض جانبی تأمین می‌شود. در این میان، حقوق دولتی یکی از مهم‌ترین پایه‌های درآمدی دولت از فعالیت‌های معدنی است. مجموع حقوق دولتی وصول شده در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به ترتیب ۱۹۲ هزار میلیارد ریال، ۲۹۴ هزار میلیارد ریال و ۳۹۴ هزار میلیارد ریال بوده است که رشد سالانه‌ای حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان را نشان می‌دهد. دولت در این سه سال، ۸۸ هزار میلیارد تومان از محل حقوق دولتی معادن درآمد داشته است؛ یعنی به‌طور متوسط روزانه حدود ۸۰ میلیارد تومان.

عدد خبر

۸

مجموع درآمدهای مالیاتی وصول شده در نخستین ماه سال جاری به حدود ۷۷۸ هزار و ۹۹۳ میلیارد ریال رسیده است. بررسی این رقم نشان می‌دهد درآمدهای مالیاتی در فروردین ۱۴۰۵ نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۸ درصد کاهش یافته است. مالیات‌های مستقیم با وصول ۵۲۷ هزار و ۱۷۰ میلیارد ریال، حدود ۶۷٫۷ درصد از کل درآمدهای مالیاتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، مالیات بر کالاها و خدمات با ۲۵۱ هزار و ۸۲۳ میلیارد ریال وصولی، سهمی معادل ۳۲٫۳ درصد از کل درآمدهای مالیاتی داشته است. مالیات اشخاص حقوقی با وصول ۳۲۲ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال، بزرگ‌ترین منبع درآمدی دولت است. این بخش به‌تنهایی حدود ۴۱٫۵ درصد از کل درآمدهای مالیاتی کشور را تشکیل داده است.

عدد خبر

۳۲۱

گزارش‌های آماری سازمان بورس از معاملات بازار سهام حاکی از آن است که در هفته گذشته، سهم حقیقی‌ها، صندوق تثبیت و توسعه بازار و حقوقی‌ها به ترتیب ۵۰۶ هزار و ۶۷۱ میلیارد ریال (۶۴٫۴ درصد)، ۱۰۰ هزار و ۱۰۳ میلیارد ریال (۱۲٫۷ درصد) و ۷۱ هزار و ۳۱۳ میلیارد ریال (۹٫۱ درصد) بوده است. همچنین در این مدت، تعداد سهام‌داران فعال در بازار، اعم از حقیقی و حقوقی، (بدون احتساب کدهای دارای معامله در عرضه‌های اولیه) ۳۲۱ هزار و ۱۰۵ نفر بوده است که به تفکیک، ۳۱۹ هزار و ۶۶۸ نفر سهام‌دار حقیقی و ۱ هزار و ۴۳۷ نفر مربوط به حقوقی‌ها بوده‌اند. بانک‌ها، فلزات اساسی و کانه‌های فلزی جزو ۳ صنعت پرگردش در معاملات بورس بودند.

عدد خبر

۳۵

مدیر اداره تأمین مالی زنجیره تولید بانک مرکزی گفت: در چارچوب ماده ۴ قانون بانک مرکزی و ماده ۱۰ قانون برنامه هفتم توسعه، ابزارهای تأمین مالی زنجیره تولید به‌عنوان یک الزام پیش‌بینی شده است؛ از این رو بانک مرکزی در سال‌های اخیر نسبت به توسعه ابزارهای تأمین مالی زنجیره تولید، از جمله اوراق گام، برات الکترونیکی، کارت رفاهی متصل به اوراق گام و فکتورینگ (پذیرش اسناد پیمانکاری به‌عنوان وثیقه) اقدام کرده است. اسماعیل محمدجانی اعلام کرد: مجموع عملکرد اوراق گام در سال ۱۴۰۴ حدود ۵۳ هزار میلیارد تومان بوده است که در مقایسه با ۲۱ همت سال قبل از آن، رشد ۱۵۷ درصدی داشته است. او تأکید کرد: برای سال جاری، ۲۲۰ همت اوراق گام تعیین و به شبکه بانکی ابلاغ شده است.

نوبنیاد در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد:

## بورس روی دور تند صعود

دی‌ماه سال گذشته و پس از اجرای سیاست تک‌نرخ شدن ارز و حذف ارز ترجیحی بود که دولت از تصویب یک بسته حمایتی ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی برای جبران آثار این سیاست‌ها تولیدکنندگان خبر داد. هدف این بسته، حمایت از واحدهای تولیدی بود که پس از تصمیم ارزی دولت، هزینه‌های آن‌ها به شدت افزایش پیدا کرد و قرار شد این بسته، شوک و التهاب ناشی از این سیاست ارزی دولت را جبران کند.

میلیون و ۴۰۰ هزار واحد بود و هنوز به آن نرسیده است؛ بنابراین بازار همچنان ظرفیت رشد دارد. صفاری ادامه داد: البته یک اتفاق رخ هم داده و این مسئله باعث شده بود صف‌های سنگین شکل بگیرد. اگر بازارگردان‌ها و سهامداران عمده هم وارد عمل شوند، مطمئناً بورس متعادل‌تر و باروند مثبت به مسیر خود ادامه خواهد داد.

این کارشناس اظهار کرد: البته همیشه فصل بهار، فصل شکوفایی بازار است، زیرا سود سال قبل در این فصل تقسیم می‌شود و از طرف دیگر، شرکت‌ها رشد فروش‌های بسیار خوبی را ثبت کرده‌اند. به نظر می‌رسد این روند ادامه داشته باشد، مگر اینکه دوباره شوک سیاسی یا اتفاق خاصی رخ دهد؛ در غیر این صورت، این روند تا پایان سال می‌تواند ادامه پیدا کند.

صفاری گفت: باید کاری کرد که اثر این روند در اقتصاد نیز دیده شود؛ یعنی از طریق افزایش سرمایه شرکت‌ها، وقتی بازار مثبت باشد، شرکت‌ها در عمل به سمت افزایش سرمایه می‌روند. اکنون قیمت سهام برخی شرکت‌ها کمتر از ۱۰۰ تومان است؛ شرکت‌های بزرگی مانند بانک‌ها، این موضوع غیرمنصفانه است، چرا که هم سود دارند و هم قیمت سهامشان زیر ۱۰۰ تومان است. باید این قیمت‌ها افزایش پیدا کند، شرکت‌ها سرمایه‌های جدی جذب کنند و این روند به تولید واقعی تبدیل شود.

او افزود: به همین دلیل است که در دنیا، اقتصادهای سرمایه‌محور تلاش می‌کنند شاخص بورس را در وضعیت مطلوب نگه دارند. اما برعکس، در اقتصادهای بانک‌محور که ما نیز تا حدی درگیر آن هستیم، معمولاً پس از آن‌ها از طریق بانک وارد اقتصاد می‌شود. ما باید به گونه‌ای عمل کنیم که پس از آن‌ها از طریق بازار سرمایه وارد اقتصاد شوند. در آن صورت، شکوفایی تأمین مالی از طریق بازار سرمایه اتفاق می‌افتد. مسئله اصلی این است که تفکر ما باید از بانک‌محوری به سرمایه‌محوری تغییر کند. دولت نیز باید این موضوع را دنبال کند؛ در آن صورت نقش بورس فعال‌تر خواهد شد.

این کارشناس در پاسخ به این سؤال که توصیه‌اش به سهامداران چیست، گفت: مردم از طریق سرمایه‌گذاری غیرمستقیم وارد بورس شوند؛ یعنی از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سپردن آن‌ها. متأسفانه در زمان‌هایی که بازار مثبت می‌شود، برخی تحلیل‌های غیرکارشناسی مطرح می‌شود. بهتر است مردم از طریق نهاد‌های مالی مورد تأیید سازمان بورس وارد شوند و سپردن آن‌ها بهترین مرجع برای کمک به سرمایه‌گذاری مطمئن هستند.

دارایی ادامه داد: بازارهای موازی از جمله املاک و مستغلات، خودرو، طلا و ارز به سطوحی رسیده‌اند که پس از آن نتوانسته‌اند بالاتر بروند و به همین دلیل بخشی از نقدینگی در حال حرکت از این بازارها به سمت بازار سرمایه است. در کنار این موضوع، کاهش فضای روانی جنگ و شکل‌گیری آرامش نسبی نیز باعث شده بازار شرایط بهتری را تجربه کند.

همچنین گزارش‌های عملکرد اردیبهشت‌ماه نشان می‌دهد شرکت‌ها وضعیت مناسبی دارند. وی گفت: همچنان ۴۲ شرکت متوقف هستند و بازگشایی آن‌ها می‌تواند به متعادل‌تر شدن بازار کمک کند.

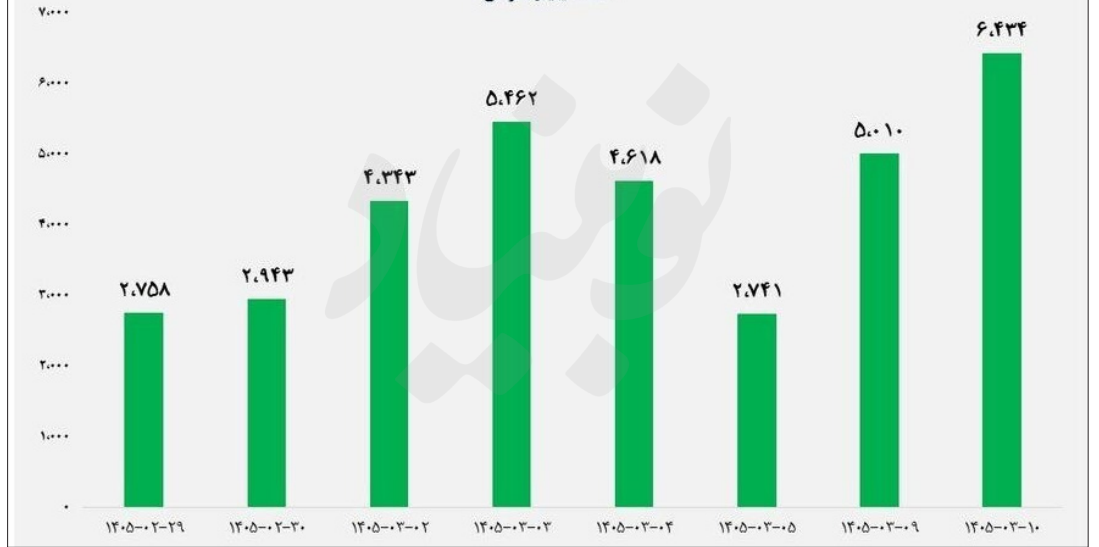
دارایی افزود: در شرایط فعلی، به دلیل توقف این نمادها، تمرکز بازار بیشتر روی شرکت‌های کوچک قرار گرفته است و اگر نمادهای بزرگ‌تر که سهم قابل توجهی از ارزش بازار را در اختیار دارند، بازگردند، احتمال کاهش صف‌ها و تعدیل هیجان وجود دارد. وی ادامه داد: در حال حاضر صف قابل ملاحظه‌ای از شرکت‌ها در انتظار عرضه اولیه قرار دارند. پیش از توقف بازار به دلیل جنگ، حدود ۱۴ شرکت آماده عرضه اولیه بودند و اکنون می‌توان این روند را از سرگرفت تا از ظرفیت استقبال از بازار بهره برد.

دارایی درباره رفتار سهامداران نیز اظهار کرد: سهامداران باید تلاش کنند از احساسات و هیجان‌ات دور باشند و با ثبات بیشتری تصمیم بگیرند. امروز صندوق‌های متنوعی در بخش‌های مختلف، از جمله صندوق‌های بخشی و سهامی، وجود دارد که سرمایه‌گذاران می‌توانند در آن‌ها سرمایه‌گذاری کنند. همچنین ورود به صندوق‌های سرمایه‌گذاری به عنوان ابزار غیرمستقیم سرمایه‌گذاری، می‌تواند سرمایه‌گذاران را از آسیب‌های احتمالی دور نگه دارد.

**توصیه به سهامداران: ورود غیرمستقیم به بورس**  
مصطفی صفاری، تحلیلگر بازار سرمایه، در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره روند بورس اظهار کرد: اگر ارزش دلاری بازار سهام از ۴۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ به زیر ۷۰ میلیارد دلار رسیده است، یعنی ارزش واقعی بازار به شدت کاهش پیدا کرده است. با این حال، با تمهیدات خوبی که شورای عالی بورس برای بازگشایی انجام داد، از جمله بحث بیمه سهام و طرح وام، بازار با مدیریت مناسب بازگشایی شد. وی افزود: قبل از جنگ، شاخص بورس ۴

## خالص ارزش خرید حقیقی - ۱۴۰۵ خرداد ۱۰

اعداد: میلیارد تومان



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

## رکوردشکنی ورود پول حقیقی به صندوق‌های سهامی و مختلط

در روز یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۵، ارزش معاملات صندوق‌های درآمد ثابت قابل معامله ۲۶ هزار و ۲۹۶ و ارزش خالص خرید حقیقی‌ها در این دسته از صندوق‌ها منفی ۴۳۷ میلیارد تومان بوده است. همچنین صندوق‌های سهامی و مختلط ۲۷۵۹ میلیارد تومان ارزش معامله و حدود ۹۰۲ میلیارد تومان ورود پول حقیقی داشتند. به این ترتیب ارزش تجمعی ورود پول حقیقی‌ها به صندوق‌های سهامی و مختلط با رسیدن به ۷۰۷ هزار میلیارد تومان، از زمان بازگشایی در ۲۹ اردیبهشت تا دیروز رسید و همچنان رکورد‌های جدیدی ثبت می‌کنند.

بازار سهام همچنان با استقبال سرمایه‌گذاران حقیقی سبزپوش است؛ بررسی داده‌ها نیز نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران حقیقی نقش اصلی را در رونق اخیر بورس دارند؛ به طوری که در دو روز نخست هفته جاری حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان پول جدید توسط سهامداران خرد وارد چرخه سهام شده است.

بازار سهام پس از ۸۰ روز تعطیلی، با بازگشایی از ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵، دوباره تمامی ابزارهای مالی را در دسترس سرمایه‌گذاران قرار داد و ترکیب معاملات بازار به شرایط متعارف نزدیک‌تر شد. شاخص کل بورس تهران، به عنوان نماگر بازار سهام، از ۳ میلیون و ۷۱۳ هزار و ۹۵۶ واحد در اسفند ۱۴۰۴، پس از بازگشایی و طی ۸ روز کاری، به ۴ میلیون و ۲۳۶ هزار و ۵۲۱ واحد در دهم خرداد ۱۴۰۵ رسید که رشدی معادل ۱۴ درصد را ثبت کرده است. شاخص هم‌وزن نیز از ۹۵۲ هزار و ۶۸۲ واحد به یک میلیون و ۱۳۱ هزار و ۹۶۹ واحد افزایش یافته است. رشد ۱۷۹ هزار و ۲۸۷ واحدی شاخص هم‌وزن معادل ۱۹ درصد بوده که از رشد شاخص کل نیز فراتر است. شاخص کل بورس تهران دیروز (یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۵) با جهش ۸۳ هزار واحدی (۲ درصدی) وارد کانال ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد شد. شاخص کل فرابورس نیز دیروز با رشد ۲۰۳ درصدی به سطح ۳۲ هزار و ۸۶۶ واحد رسید.

برتری تقاضا در حالی است که روز گذشته در مرحله پیش‌گشایی بازار و در ارزش سفارش‌های عرضه و تقاضا، ۴۳ هزار میلیارد تومان تقاضای خرید در برابر ارقام ناچیز صف فروش شکل گرفته بود و بازار عملاً در تسخیر خریداران قرار داشت. در پایان معاملات دومین روز هفته، ۷۹۷ نماد در محدوده مثبت و تنها ۷ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند؛ یعنی بیش از ۹۹ درصد بازار بورس و فرابورس مثبت بود.

## ورود ۳۰ همت نقدینگی در ۸ روز کاری

بیشترین رقم ورود پول حقیقی از زمان بازگشایی بازار سهام پس از تعطیلی ۸۰ روزه، مربوط به روز گذشته و به میزان ۶ هزار و ۴۳۴ میلیارد تومان بوده است. با این حال، مجموع ورود پول حقیقی به بازار سهام از زمان بازگشایی بازار در ۲۹ اردیبهشت تا روز گذشته، در مجموع ۸ روز کاری، به حدود ۲۹ هزار و ۹۶۶ میلیارد تومان رسیده است.

بر اساس داده‌های آماری سازمان بورس، روز گذشته ارزش کل معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۱۲ هزار و ۷۶۴ میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، فرابورس و بازار پایه، نیز در محدوده ۱۴ هزار و ۷۵۸ همت قرار گرفت. همچنین در پایان معاملات روز گذشته، بیش از ۳۱ هزار میلیارد تومان نقدینگی در صف‌های خرید باقی ماند که نشان‌دهنده تداوم برتری تقاضا بر عرضه و انتظار فعالان بازار برای ادامه روند صعودی قیمت‌ها در روزهای آینده است.

## چرا بورس مورد استقبال قرار گرفته است؟

همایون دارایی، کارشناس ارشد بازار سهام، در گفت‌وگو با نوبنیاد درباره وضعیت این روزهای بورس و استقبال سرمایه‌گذاران اظهار کرد: بازگشایی بورس با تمهیدات مناسب انجام شد و هماهنگی میان بازیگران بزرگ بازار، به‌همراه حضور صندوق‌ها و مدیریت صورت گرفته، به ثبات بازار در شروع دوباره معاملات کمک کرد. وی افزود: بخشی از علت بهبود شرایط این است که اثرات سیاست ارزی دی‌ماه، پیش از جنگ، به‌طور کامل در بازار منعکس نشده بود و با آغاز جنگ، عملاً در نخستین ماهی قرار گرفتیم که شرکت‌ها باید این اثرات را به صورت کامل در عملکرد خود نشان می‌دادند. اکنون این موضوع در گزارش‌های ۱۲ ماهه شرکت‌ها و نیز در عملکرد آن‌ها در ماه‌های اخیر و دوره جنگ تا پیش از بازگشایی بازار قابل مشاهده است.

سخنگوی دولت، آب پایی را روی دست مردم ریخت؛

## وعده تو خالی افزایش کالا برک

با وجود وعده‌های مکرر دولت چهاردهم برای افزایش مبلغ اعتبار کالا برک متناسب با رشد قیمت کالاهای اساسی، سخنگوی دولت اعلام کرد که فعلاً خبری از افزایش کالا برک نیست؛ موضوعی که در عمل به معنای تداوم کاهش قدرت خرید خانوارها در برابر موج

گرانی است. این در حالی است که قیمت اقلام مشمول کالا برک طی ماه‌های اخیر جهش قابل توجهی داشته، اما مبلغ اعتبار همچنان یک میلیون تومان مانده است؛ اتفاقی که شکاف میان وعده‌های دولت و واقعیت سفره مردم را پررنگ‌تر کرده است.



نیماسوهیلی  
روزنامه نگار

سخنگوی دولت روز گذشته با حضور در یک برنامه تلویزیونی، توضیحاتی درباره آخرین وضعیت کالا برک ارائه داد. فاطمه مهاجرانی گفت: افزایش مبلغ کالا برک از برنامه‌های مورد نظر دولت است، اما واقعیت این است که باید ملاحظات را با مقدمات هماهنگ کرد. اجازه نداریم چیزی بگوییم که در اجرای آن دچار مشکل شویم. مطلوب ما این است که افزایش کالا برک داشته باشیم، اما بررسی‌های لازم در حال انجام است و امیدواریم که این مهم محقق شود. وی در مورد این سؤال که «آیا در حال حاضر خبری از افزایش مبلغ کالا برک هست یا خیر؟» پاسخ داد: «فعلاً خبری نیست، ولی تأکید می‌کنم که رئیس جمهور در تمام جلسات پیگیر موضوع معیشت مردم است و می‌دانیم که در شروع طرح نیز درباره افزایش مبلغ کالا برک صحبت کردیم و حتماً علاقه‌مندیم که این اتفاق بیفتد.» طبق اعلام سخنگوی دولت، وعده افزایش مبلغ اعتبار کالا برک با توجه به افزایش اقلام اساسی، اجرایی نخواهد شد و بررسی‌ها نشان می‌دهد سازوکار واریز و فعال سازی اعتبار کالا برک خردادماه نیز طبق روال ماه گذشته و به صورت مرحله‌ای انجام خواهد شد. براین اساس، در روز ۱۵ خرداد، اعتبار کالا برک برای سرپرستان خانواری که رقم پایانی کد ملی آن‌ها ۰۱، ۰۲ و ۰۳ است، فعال می‌شود. همچنین سرپرستان خانوار با رقم پایانی کد ملی ۰۴، ۰۵، ۰۶ و ۰۷ از ۲۰ خرداد امکان استفاده از اعتبار خود را خواهند داشت. در نهایت، اعتبار کالا برک سرپرستان خانواری که رقم پایانی کد ملی آن‌ها ۰۸، ۰۹ و ۱۰ است، از روز ۲۵ خردادماه فعال و قابل استفاده خواهد بود. طبق اعلام سامانه کالا برک، اعتبار تخصیص یافته مربوط به اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ تا پایان خردادماه قابل استفاده است.

### وعده‌ها دود شد

افزایش نیافتن رقم اعتبار کالا برک، با وجود افزایش چشمگیر قیمت کالاهای مشمول کالا برک، در حالی است که مقامات مختلف دولت، از رئیس جمهور تا وزرا و حتی سخنگوی دولت، بارها وعده دیگری داده بودند. یک روز پس از اجرای سیاست موسوم به تک‌نرخ کردن ارز (نیمه دی‌ماه ۱۴۰۴)، مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم، گفته بود: «برخی ادعا می‌کنند اجرای این سیاست‌ها موجب افزایش تورم خواهد شد، در حالی که محاسبات دقیق نشان می‌دهد یارانه‌ای که به ازای هر فرد، معادل

یک میلیون تومان، به حساب مردم واریز می‌شود، نه تنها حذف نخواهد شد، بلکه در صورت افزایش نرخ ارز نیز متناسب با آن افزایش می‌یابد و به‌طور کامل حفظ می‌شود. هر میزان که نرخ ارز افزایش یابد، مابه‌التفاوت آن مستقیماً به حساب مردم واریز خواهد شد. اکنون و با گذشت پنج ماه از وعده پزشکیان، آمارهای مرکز آمار نشان می‌دهد قیمت کالاهای مشمول کالا برک از ابتدای دی‌ماه سال گذشته تا پایان فروردین امسال حدود ۶۰ درصد افزایش یافته، در حالی که رقم کالا برک ثابت مانده است. از پایان فروردین تا کنون نیز قیمت برخی از این اقلام افزایش یافته است که از جمله آن‌ها می‌توان به تخم مرغ و گوشت مرغ اشاره کرد؛ به طوری که امروز قیمت هر کیلو گوشت مرغ به حدود ۴۲۰ هزار تومان رسیده که نسبت به یک ماه گذشته ۳۵ درصد افزایش داشته است.

### افزایش کالا برک

#### پس از نهایی شدن، منتفی شد

افزایش رقم یارانه کالا برک در حالی منتفی شد که پیش از این چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از نهایی شدن رقم جدید یارانه کالا برک خبر داده بودند. مهرداد بائوچ لاهوتی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، پنجشنبه هفته گذشته گفته بود: رقم جدید کالا برک در حال نهایی شدن است و به زودی مبلغی به یک میلیون تومان اضافه می‌شود تا مردم بتوانند این گرانی تحمیل شده را مدیریت کنند. همچنین طی روزهای اخیر، برخی نمایندگان مجلس از برنامه دولت برای افزایش اعتبار کالا برک خبر داده بودند. مهرداد گودرزوند چگینی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، با اشاره به افزایش قیمت کالاهای اساسی در کشور و لزوم افزایش مبلغ کالا برک، گفت: کمیسیون برنامه و بودجه و فراکسیون نظارت بر اتاق اصناف مجلس با دعوت از احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به بررسی این موضوع پرداخت. یکی از محورهای اصلی این جلسات، تأثیر مستقیم افزایش قیمت‌ها بر معیشت مردم و در تبع آن، افزایش رقم کالا برک بود. چگینی تأکید کرد که دولت در نظر دارد افزایش مبلغ کالا برک را در حدود ۲۵ تا ۵۰ درصد اعمال کند و اکنون دولت به دنبال تأمین منابع است. در این راستا، نمایندگان مجلس با اشاره به افزایش قیمت مرغ و سایر اقلام اساسی، خواستار آن شدند که دولت این افزایش را حداقل به ۲ برابر برساند.

### دولت باید به وعده خودش عمل کند

یک کارشناس اقتصادی با انتقاد از عدم افزایش اعتبار کالا برک متناسب با رشد قیمت‌ها و هزینه‌های خانوار، گفت: قرار بود اعتبار کالا برک براساس شرایط اقتصادی و نرخ تورم مورد بازنگری قرار گیرد، اما تعلل چند ماهه در این زمینه و پرداخت یک مرحله از کالا برک در سال جدید بدون افزایش اعتبار، قابل توجیه نیست. حمید حاج اسماعیلی در گفت‌وگو با نوبت، با اشاره به اظهارات اخیر سخنگوی دولت مبنی بر اینکه افزایش رقم کالا برک اگرچه مطلوب دولت است، اما در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست، اظهار کرد: دولت از ابتدا وعده داده بود که معیشت مردم و حمایت از خانواده‌ها در اولویت قرار دارد. از سوی دیگر، هم دولت، هم مجلس و هم سایر مسئولان کشور بارها بر ضرورت حمایت از مردم تأکید کرده‌اند؛ بنابراین انتظار می‌رود این حمایت‌ها متناسب با شرایط اقتصادی کشور تقویت شود. او با بیان اینکه برخی مسئولان درک درستی از شرایط جامعه و جایگاه مردم ندارند، تصریح کرد: مردم در یک سال گذشته، با وجود فشارهای اقتصادی، صبوری کرده‌اند و در کنار کشور ایستاده‌اند. تضعیف افشار ضعیف جامعه می‌تواند هم بنیان خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و هم موجب ناامیدی مردمی شود که در شرایط سخت اقتصادی همراه کشور بوده‌اند. «حاج اسماعیلی ادامه داد: «همان‌طور که بودجه سایر بخش‌های کشور به دلیل شرایط تورمی و هزینه‌های ناشی از جنگ تغییر کرده، اعتبار کالا برک نیز باید متناسب با شرایط جدید افزایش پیدا کند. هیچ توجیهی برای ثابت ماندن این اعتبار وجود ندارد.»

### سازمان برنامه مخالف افزایش کالا برک است

این کارشناس اقتصادی با اشاره به موانع موجود برای افزایش اعتبار کالا برک گفت: تا جایی که اطلاع دارم، مانع اصلی این موضوع سازمان برنامه و بودجه است. این سازمان در حال تحمیل دیدگاه‌های خود به سایر بخش‌های تصمیم‌گیر است و همین مسئله موجب نارضایتی مردم شده است. او تأکید کرد: دولت و مجلس باید به صورت جدی وارد عمل شوند و سازمان برنامه را مجاب کنند که متناسب با شرایط اقتصادی کشور، میزان اعتبار کالا برک را افزایش دهد. پیشنهاد دولت نیز افزایش اعتبار تا حدود یک میلیون تومان بوده است؛ به گونه‌ای که سهم هر فرد به دو میلیون تومان برسد. مجلس نیز بر این موضوع تأکید داشته، اما سازمان برنامه تاکنون مانع اجرای آن شده است.

### گزارش کوتاه

## تورم در آسمان؛ آمار در قفس

یازده روز از خردادماه سپری شده و مراکز آمار کشور (مرکز آمار و بانک مرکزی) هنوز گزارش شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم) اردیبهشت‌ماه را منتشر نکرده‌اند. بانک مرکزی در پنجم اردیبهشت‌ماه، گزارش تورم فروردین را منتشر کرد. پیش از این نیز بانک مرکزی معمولاً با گذشت حدود پنج روز از آغاز هر ماه، گزارش تورم ماه قبل را منتشر می‌کرد. اکنون اما با گذشت یازده روز، هنوز گزارش تورم اردیبهشت‌ماه منتشر نشده است.

تاخیر مرکز آمار در انتشار گزارش تورم، اما به مراتب بیشتر از بانک مرکزی است. مرکز آمار ایران قیمت‌ها را تا روز بیستم هر ماه جمع‌آوری می‌کند. هدف از این اقدام آن است که نرخ تورم در روز اول هر ماه و با یک فرصت ۱۰ روزه منتشر شود، اما امروز سه هفته از زمان جمع‌آوری قیمت‌های اردیبهشت‌ماه می‌گذرد و مرجع رسمی آمار کشور هنوز گزارش تورم را منتشر نکرده است. تاخیر در انتشار آمار و سانسور آمارها پیش از این نیز در دولت دوازدهم رخ داده بود. و این بار دوباره در دولت پزشکیان تکرار شده است. شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ تورم ماهانه از جمله مهم‌ترین داده‌های اقتصادی محسوب می‌شوند که علاوه بر سیاست‌گذاران، فعالان اقتصادی، سرمایه‌گذاران و خانوارها نیز برای ارزیابی وضعیت اقتصاد و تصمیم‌گیری‌های خود به آن اتکا می‌کنند. با این حال، انتشار این آمار در ماه‌های اخیر با تأخیرهای قابل توجهی همراه بوده است. یک سوم از سومین ماه سال گذشته است، اما مرکز آمار هنوز تقویم آمار خود را منتشر نکرده است. اکنون تاخیر در انتشار تورم اردیبهشت‌ماه، پرسش‌های جدی درباره عملکرد مرجع رسمی آمار کشور برانگیخته است.

پیگیری‌های نوبت‌نشان می‌دهد گزارش تورم اردیبهشت‌ماه آماده شده است، اما رویکردی در دولت مانع انتشار آن شده است. بررسی‌ها و شواهد نشان می‌دهد تورم سالانه و نقطه به نقطه در دومین ماه سال جاری رکورد تاریخی در اقتصاد ایران ثبت کرده است. با این حال، برخی در دولت به جامعه تزریق می‌کنند و می‌تواند اثر روانی منفی بر جامعه و خانوارها داشته باشد، تلاش دارند این آمار منتشر نشود، یا با تأخیر منتشر شود، یا انتشار آن در زمانی باشد که توجهات را به خود جلب نکند. با این حال، مردم طی چند ماه گذشته و پس از جراحی ارزی دولت چهاردهم، گرانی‌های شدیدی را لمس کرده‌اند و عدم انتشار آمار نه تنها تأثیری ندارد، بلکه بدبینی‌ها نسبت به آمارهای رسمی را تشدید می‌کند.

تاخیر در انتشار آمارهای اقتصادی در شرایطی رخ می‌دهد که اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی از جمله نوسانات ارزی، تغییرات قیمت کالاهای خدمات و تحولات بازارهای مختلف مواجه است و دسترسی به داده‌های به‌روز می‌تواند نقش مهمی در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی داشته باشد. شفافیت و انتشار منظم و به موقع آمارهای رسمی، یکی از الزامات حکمرانی اقتصادی و افزایش قابلیت پیش‌بینی پذیری اقتصاد است.

آمارهای رسمی تنها مجموعه‌ای از اعداد و جداول نیستند، بلکه مبنای تصمیم‌گیری دولت، فعالان اقتصادی، سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان و حتی خانوارها به شمار می‌روند. هرگونه تأخیر در انتشار یا محدودیت در دسترسی به داده‌های اقتصادی، شفافیت را کاهش داده و زمینه را برای گسترش شایعات و برآوردهای غیررسمی فراهم می‌کند. تجربه کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد اعتماد عمومی به نهاد‌های آمار یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های حکمرانی اقتصادی است. در مقابل، سانسور یا تأخیر در انتشار آمارهای مهم نه تنها واقعیت‌های اقتصادی را تغییر نمی‌دهد، بلکه می‌تواند اعتبار نهاد‌های آمار را تحت تأثیر قرار دهد و اعتماد عمومی به آمارهای رسمی را کاهش دهد؛ موضوعی که در نهایت هزینه آن را سیاست‌گذاران، فعالان اقتصادی و جامعه پرداخت خواهند کرد.

### با اعتبار کالا برک چه می‌توان خرید؟

حاج اسماعیلی،  
کارشناس  
اقتصادی؛  
بررسی‌های ما  
نشان می‌دهد  
قدرت خرید اعتبار  
فعلی حدود  
یک چهارم کاهش  
پیدا کرده است.

امروز با مبلغ یک  
میلیون تومان  
اعتبار کالا برک فقط  
می‌توان یک روغن  
۸۰۰ گرمی و یک  
تکه گوشت مرغ  
خریداری کرد. در  
طرح کالا برک ۱۱

قلم کالای اساسی  
برای تأمین نیازهای  
غذایی و سلامت  
خانوارها تعریف  
شده است، اما  
اعتبار فعلی حتی  
برای تأمین دو  
قلم از این کالاها  
نیز کافی نیست.

در نتیجه، بخش  
مهمی از کالاهای  
ضروری از سبد  
مصرفی خانوارها  
حذف می‌شود.  
ادامه این روند  
می‌تواند به  
سوءتغذیه و  
آسیب به سلامت  
مردم منجر شود.

به همین دلیل،  
افزایش اعتبار  
کالا برک یک ضرورت  
جدی است و نباید  
بیش از این به  
تعویق بیفتد.

## یادداشت

## وضعیت لبنان؛ نتیجه آتش بس معیوب

محسن پوردادفر  
روزنامه‌نگار

تحولات میدانی جنوب لبنان وارد مرحله‌ای تازه و حساس شده است. ارتش رژیم صهیونیستی پس از هفته‌ها بمباران گسترده و حملات سنگین زمینی، توانسته در برخی محورها از رود لیتانی عبور کرده و خود را به حاشیه شهر راهبردی نبطیه برساند. همزمان، منابع صهیونیستی از اشغال منطقه الشقیف و تلاش برای تثبیت حضور نظامی در اطراف رود سلوقی سخن می‌گویند؛ منطقه‌ای که به دلیل اشرف بر بخش وسیعی از جنوب لبنان از اهمیت راهبردی برخوردار است.

به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی در چارچوب راهبردی خطرناک، به دنبال گسترش دامنه اشغالگری و ایجاد یک منطقه حائل عمیق در جنوب لبنان است. صدور هشدارهای تخلیه برای ده‌ها روستا و شهرک لبنانی، افزایش حملات هوایی و تلاش برای محاصره نبطیه نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی رویای تغییر معادلات میدانی لبنان را در سر می‌پروراند؛ رؤیایی که پیش از این نیز بارها با شکست مواجه شده است. این وضعیت مستقیماً نتیجه نقض مستمر آتش بس توسط رژیم صهیونیستی است. آتش بس لبنان که در ۱۶ آوریل ۲۰۲۴ (۲۷ فروردین ۱۴۰۵) اعلام شد، ابتدا ۱۰ روزه و سپس تمدید گردید و قرار بود همزمان با آتش بس میان ایران و آمریکا/رژیم صهیونی برقرار شود. جمهوری اسلامی ایران شرط اصلی پذیرش و ادامه آتش بس با طرف آمریکایی را توقف کامل تجاوزات در جبهه لبنان و توقف عملیات علیه حزب‌الله اعلام کرده بود. میانجی پاکستانی نیز تأکید کرد که آتش بس همه جبهه‌ها از جمله لبنان را شامل می‌شود. اما رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا با نقض تفاهات صورت گرفته اعلام کردند که آتش بس، لبنان را شامل نمی‌شود. نتانیاهو و ترامپ این جبهه را «جداً» خواندند و عملاً آتش بس را از همان ابتدا نقض کردند. این اقدام نه تنها نقض آتش بس لبنان، بلکه نقض صریح تعهدات و شرایط آتش بس جنگ ۴۰ روزه با ایران به شمار می‌رود، زیرا ایران بر توقف همزمان همه جبهه‌های مقاومت به عنوان پیش شرط اصرار ورزیده بود. از همان روزهای اول، حملات هوایی و زمینی رژیم صهیونیستی ادامه یافت و حالا به عبور از لیتانی و تصرف قلعه تاریخی شقیف (بوفورت) رسیده است و اسفناک آنکه تیم مذاکره کننده و دستگاه دیپلماسی نیز آنگونه که باید برایین موضوع اصرار نورزیده اند.

آنچه امروز در جنوب لبنان جریان دارد صرفاً نبرد بر سر یک شهر یا یک ارتفاع راهبردی نیست؛ بلکه تقابل دواراده است. از یک سو رژیم قرار دارد که می‌کوشد با اتکا به قدرت آتش و حمایت‌های غربی واقعیت‌های جدیدی را بر منطقه تحمیل کند و از سوی دیگر محور مقاومتی قرار گرفته که موجودیت خود را با مبارزه علیه اشغالگری و مقاومت تعریف کرده است. این روزها هرگونه اهمال، نظم آتی منطقه را به ضرر ایران و محور مقاومت تغییر خواهد داد.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

## آتش بس قابل تفکیک نیست

نتانیاهو بارها ادعا کرده که جبهه لبنان نباید با جبهه ایران یکسان تلقی شود. مسئله‌ای که از آن واژه دارد ولی روشن است که ترامپ در موضوع شرط ایران مبنی بر همزمانی آتش بس در لبنان با تحولات مرتبط با ایران، تحت فشار قابل توجهی قرار داشته است.

جمهوری اسلامی ایران بارها بر ضرورت توقف حملات رژیم صهیونیستی علیه جبهه مقاومت تأکید کرده و در این میان از لبنان نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق نام برده است.

**رژیم صهیونی در برخی ارتفاعات راهبردی و مهم در جنوب لبنان پیشروی کرده است. این مساله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا اساساً رژیم صهیونیستی قصد دارد این مناطق را تثبیت کند؟**

اخباری که از لبنان منتشر می‌شود و به پیشروی‌های زمینی رژیم صهیونیستی در خاک لبنان اشاره دارد، باید در چارچوب کلی درگیری میان لبنان و اسرائیل ارزیابی شود. برخی از این اخبار صحیح هستند و برخی دیگر از این ادعاها با عراق و در چارچوب جنگ روانی از سوی رژیم صهیونیستی مطرح می‌شوند.

باید توجه داشت که بسیاری از روستاهای لبنان فاصله بسیار کمی با مرزهای فلسطین اشغالی دارند. بنابراین ورود و خروج نیروها حتی در عمق چند کیلومتری نیز ممکن است به عنوان تسلط بر یک روستا یا اشغال آن تلقی شود. استان نبطیه نیز استانی است که با شمال فلسطین اشغالی هم‌مرز است؛ از این رو هر یک از این ادعاها باید به صورت موردی و در جای خود بررسی شود.

در چنین شرایطی باید میان حضور مقطعی نیروها و تسلط پایدار بر یک منطقه تفاوت قائل شد. در مناطق مرزی، به‌ویژه در جنوب لبنان، به دلیل نزدیکی روستاها به مرز، گاهی ورود محدود نیروها می‌تواند به عنوان پیشروی یا اشغال مطرح شود، در حالی که در عمل وضعیت به آن شکل نیست.

**برخی گزارش‌ها می‌گویند این پیشروی‌ها تلاشی برای ایجاد یک دستاورد سیاسی برای ترامپ است تا در چارچوب مذاکرات مرتبط با ایران مورد استفاده قرار گیرد. این مسئله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ارتباط این تحولات با فشارهای ترامپ قابل مشاهده است. ترامپ در ماه‌های اخیر بارها تأکید کرده که جبهه لبنان نباید با جبهه ایران یکسان تلقی شود. این موضوع نشان می‌دهد که میان ترامپ و نتانیاهو گفت‌وگوهایی صورت گرفته و ترامپ خواستار رعایت آتش بس در لبنان بوده است.

اینکه رژیم صهیونیستی به دنبال اشغال روستاهایی در جنوب لبنان است، بخشی از سیاست همیشگی آن بوده است. البته امروز موضوع اشغال سرزمینی به اندازه گذشته اهمیت ندارد؛ بلکه مسئله اصلی، خالی کردن مناطق از سکنه است. رژیم صهیونیستی با فشارهای نظامی و بمباران‌های خود باعث تخلیه بخش قابل توجهی از روستاهای جنوب لبنان شده است. برخی از این مناطق نیز به اشغال

درگفت‌وگوی نوبنیاد با مجتبی امانی، سفیر سابق ایران در لبنان تشریح شد

## مطالبه پایان اشغالگری متوجه دولت لبنان است

در پی تحولات اخیر جنوب لبنان و انتشار گزارش‌هایی درباره پیشروی‌های رژیم صهیونیستی در برخی مناطق مرزی، گفت‌وگویی با مجتبی امانی، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در لبنان انجام شد. در این گفت‌وگو، ابعاد میدانی و سیاسی تحرکات اخیر رژیم صهیونیستی، اهداف احتمالی این اقدامات، ارتباط آن با تحولات دیپلماتیک و همچنین اقدامات کشورمان برای لبنان و محور مقاومت مورد بررسی قرار گرفت. مشروح این گفت‌وگو به شرح زیر است:

درآمده اند، به‌ویژه روستاهایی که تنها چند صد متر با مرز فاصله دارند. آنچه اکنون مشاهده می‌شود این است که رژیم صهیونیستی تلاش دارد اقداماتی انجام دهد تا اگر ناچار شد به درخواست ترامپ برای آتش بس تن دهد، نقاطی را در اختیار داشته باشد که بتواند از آن‌ها بهره‌برداری سیاسی کند. این مناطق اشغالی از دو جهت ممکن است برای نتانیاهو مفید تلقی شوند: نخست اینکه بتواند ادعا کند به پیروزی‌هایی دست یافته و مناطقی را تصرف کرده است. دوم اینکه با این اقدام بتواند برای ساکنان شمال فلسطین اشغالی نوعی احساس امنیت ایجاد کند.

البته مورد دوم، با توجه به برد موشک‌های حزب‌الله بیشتر یک نمایش تبلیغاتی است و به نظر می‌رسد این اقدام نیز در عمل چندان برای رژیم صهیونیستی کارآمد نخواهد بود.

## موضع و اقدام ایران در موضوع

**اشغالگری‌های رژیم و نوع تعامل با لبنان چگونه باید باشد؟**

ترامپ در موضوع خواسته ایران برای توقف حملات در لبنان تحت فشار مذاکراتی ایران است و به نتانیاهو اصرار می‌کند که حملات علیه لبنان را متوقف کند. نتانیاهو نیز از این فشارها عصبانی است.

نتانیاهو بارها تأکید کرده که جبهه لبنان نباید با جبهه ایران یکسان تلقی شود. مسئله‌ای که از آن واژه دارد ولی روشن است که ترامپ در موضوع شرط ایران مبنی بر همزمانی آتش بس در لبنان با تحولات مرتبط با ایران، تحت فشار قابل توجهی قرار داشته است.

جمهوری اسلامی ایران بارها بر ضرورت توقف حملات رژیم صهیونیستی علیه جبهه مقاومت تأکید کرده و در این میان از لبنان نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق نام برده است؛ به‌ویژه اینکه در شرایط کنونی بخش عمده حملات رژیم صهیونیستی متوجه لبنان است.

البته باید توجه داشت که مفهوم آتش بس در لبنان با برداشتی که در ایران از آتش بس وجود دارد متفاوت است. لبنان از مهر ۱۴۰۲ هم‌زمان با عملیات طوفان الاقصی در معرض حملات رژیم صهیونیستی قرار داشته است. در این مدت، دو طرف به صورت متقابل اهدافی را در خاک یکدیگر مورد حمله قرار داده‌اند.

برای مثال، حزب‌الله لبنان دامنه عملیات خود را تا عکا و نهاریا گسترش داده است؛ زیرا رژیم صهیونیستی نیز حملات خود به جنوب لبنان را افزایش داده است. بنابراین از مهر ۱۴۰۲ تاکنون جبهه لبنان هیچ‌گاه کاملاً آرام نبوده است.

با این حال، در همین مدت دو بار آتش بس نیز برقرار شده است. در عرف سیاسی لبنان، آتش بس بیشتر به معنای عدم حمله به عمق سرزمینی طرف مقابل تلقی می‌شود؛ یعنی حزب‌الله تل‌آویو حمله نکند و رژیم

صهیونیستی نیز بیروت را هدف قرار ندهد. البته اکنون با گسترش جنگ و افزایش حملات اسرائیل به عمق خاک لبنان، این وضعیت نیز در حال تغییر است. این تفاوت باعث می‌شود که مفهوم آتش بس در ایران و لبنان یکسان نباشد. در ایران، آتش بس به معنای توقف کامل درگیری‌ها تلقی می‌شود؛ اما در عرف لبنانی و براساس رویه‌ای که اسرائیل ایجاد کرده، آتش بس می‌تواند هم‌زمان با ادامه درگیری‌های محدود در مناطق مرزی نیز برقرار باشد. به همین دلیل، اسرائیلی‌ها مدعی هستند که آتش بس برقرار است؛ زیرا حملات به عمق سرزمینی در طرف محدود شده، هر چند درگیری‌ها در نوار مرزی همچنان ادامه دارد.

با توجه به تأکیدات مکرر جمهوری اسلامی ایران، لبنان بخش مهمی از هرگونه توافق آتش بس خواهد بود و در صورت دستیابی به توافق میان ایران و آمریکا، انتظار می‌رود که این توافق شامل لبنان و دیگر جبهه‌های مقاومت نیز باشد.

**آیا احتمال می‌دهید که این مناطق اشغالی را رژیم اسرائیل تثبیت کرده و حتی با وجود پرداخت هزینه‌های نظامی، برای مدتی در اختیار خود نگه دارد تا امتیاز بگیرد؟**

موضوعی که اخیراً وارد معادلات شده، ورود دولت لبنان به گفت‌وگوهای مستقیم با رژیم صهیونیستی است. حزب‌الله این روند مخالفت کرده و معتقد است که چنین مذاکراتی به هیچ‌وجه تضمین‌کننده آرامش و امنیت برای لبنان نخواهد بود. در مقابل، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند مناطقی را در اختیار بگیرد تا بعداً بتواند از آن‌ها به عنوان ابزار چانه‌زنی استفاده کند. با این حال، تجربه اشغال‌های پیشین رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان نشان داده است که این اشغالگری‌ها دستاورد پایداری برای آن به همراه نداشته‌اند.

آنچه حزب‌الله مردم لبنان پس از این مطالبه خواهند کرد، این است که مذاکرات مستقیم میان دولت لبنان و رژیم صهیونیستی چه دستاوردی برای پایان تجاوزات، پایان اشغالگری، بازگشت اسرا و تأمین حقوق لبنان خواهد داشت.

بنابراین، پایان دادن به اشغالگری اکنون بیش از هر چیز باید از سوی دولت لبنان پیگیری شود. حزب‌الله مطابق وظیفه خود به حملات رژیم صهیونیستی پاسخ خواهد داد، اما مخالفان این مذاکرات معتقدند آزادسازی سرزمین‌های اشغالی لبنان باید نتیجه مذاکرات رسمی میان دولت لبنان و اسرائیل باشد و آمریکا نیز باید با اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی زمینه پایان اشغالگری را فراهم کند.

در نتیجه، حزب‌الله وظیفه ذاتی خود در دفاع از سرزمین‌های جنوب لبنان که بخش قابل توجهی از ساکنان آن شیعه هستند ادامه خواهد داد؛ اما مطالبه پایان اشغالگری بیش از گذشته متوجه دولت لبنان خواهد بود.

تداوم ضربات پیش‌دستانه ایران به کانون‌های ناامنی در اقلیم کردستان عراق

## تقاضای یک همراهی پرهزینه

یکی از اضلاع پروژه بی‌ثبات‌سازی و تجزیه ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ پروژه‌ای که هنوز از دستور کار دشمنان ایران خارج نشده است.

حمله موشکی جدید به مقر حزب آزادی در اربیل را باید حلقه‌ای از راهبرد مستمر ایران برای انهدام شبکه‌ای دانست که سال‌هاست آمریکا، رژیم صهیونیستی و موساد روی آن به عنوان



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

روز گذشته میلد ایست نیوز از هدف قرار گرفتن مقرهای حزب آزادی در اربیل خبر داد؛ خبری که در امتداد سلسله عملیات‌های موشکی و پهپادی اخیر علیه گروهک‌های مسلح مستقر در اقلیم کردستان عراق قرار می‌گیرد. حملاتی که نشان می‌دهد تهران نه تنها تهدیدات امنیتی در آن سوی مرزها را رصد می‌کند، بلکه برای مقابله با آنها منتظر وقوع حادثه نمی‌ماند.

این تحرکات همزمان با اعلام سفر قریب‌الوقوع هیئتی از بغداد و اربیل به تهران اهمیت مضاعفی یافته است. محمدکاظم آل‌صادق، سفیر ایران در عراق، اعلام کرده هیئتی به ریاست قاسم الاعرجی مشاور امنیت ملی عراق و با حضور ریبر احمد وزیر داخله اقلیم کردستان عراق به تهران خواهد آمد تا درباره اجرای یادداشت تفاهم امنیتی میان دو کشور گفت‌وگو کند. تهران نیز بار دیگر تأکید کرده است که بغداد و اربیل باید به تعهدات خود عمل کرده و گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب

را خلع سلاح، اخراج یا تحویل دهند. واقعیت آن است که مسئله صرفاً چند گروهک پراکنده مرزی نیست. طی سال‌های اخیر اسناد و گزارش‌های متعددی از اتاق‌های فکر غربی و صهیونیستی منتشر شده که نشان می‌دهد روی ظرفیت گروهک‌های تجزیه‌طلب کرد برای ضربه زدن به امنیت ملی ایران حساب ویژه‌ای باز شده بود. در گزارش‌های رسانه‌های اسرائیلی درباره دوران ریاست بارنیا بر موساد نیز به تلاش‌های گسترده این سازمان برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های تجزیه‌طلبانه در میان کردها بر علیه ایران اشاره شده است.

پیش از این نیز دونالد ترامپ به ارسال حجم بالایی از سلاح برای کردها اعتراف کرده بود و با لحنی گلابه‌آمیز پرسیده بود: «این تسلیحات اکنون کجاست و چگونه مورد استفاده قرار گرفته است.» اظهاراتی که بار دیگر توجه‌ها را به پروژه مسلح‌سازی جریان‌های کردی جلب کرد. حتی جو کنت، مقام ارشد اطلاعاتی و مدیر مستعفی مرکز ضد تروریسم آمریکا، طرح استفاده از کردها علیه ایران را «خیال‌پردازی

غیرواقع‌بینانه‌ای که مقام‌های اسرائیلی به ترامپ فروخته بودند» توصیف کرد؛ هرچند او نیز بر جایگاه کردها به عنوان یکی از متحدان واشنگتن تأکید داشت. از ابتدای جنگ تحمیلی سوم نیز مناطق اقلیم شمال عراق که محل استقرار این گروهک‌هاست، به طور مستمر هدف حملات ایران قرار گرفته و این روند حتی در دوره‌های آتش‌بس نیز متوقف نشده است. دلیل آن روشن است؛ تهران معتقد است تهدیدی که همچنان فعال باشد، مشمول آتش‌بس نخواهد شد.

پیام این حملات نیز روشن است؛ پروژه تجزیه ایران نه فراموش شده و نه مختومه. هر مقرر مه‌مدم‌شده، هشدار می‌دهد که حامیان خارجی این جریان‌هاست که جمهوری اسلامی ایران همچنان این تهدید را زنده و فعال ارزیابی می‌کند. گروهک‌های تجزیه‌طلب نیز باید بدانند هزینه خیانت به امنیت ملی ایران دیر یا زود از آنها وصول خواهد شد و مقامات و الیگارش‌های اقلیم کردستان نیز در صورت تداوم میزبانی یا همراهی با این جریان‌ها، از تبعات امنیتی این انتخاب مصون نخواهد ماند.

### یادداشت

## بازی بی‌سرانجام در میز مذاکره

امیر شهشهانی  
روزنامه‌نگار

از میان خبرهایی که این روزها درباره مذاکرات و آتش‌بس احتمالی منتشر می‌شود، گزارش رونن برگمن در ی‌دی‌سیوت آحارنوت به عنوان یکی از نزدیک‌ترین چهره‌های رسانه‌ای به محافل امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی قابل‌تأمل است.

برگمن به نقل از منابع خود فاش می‌کند که دونالد ترامپ پس از آنکه پاسخ مورد انتظار خود را از تهران دریافت نکرد، تصمیم گرفته متن چارچوب توافق را تغییر دهد و شروط جدیدی را به طرف ایرانی ابلاغ کند. این جمله نشان می‌دهد برخلاف ادعاهای مکرر واشنگتن درباره تمایل به پایان بحران، هرگاه روزنه‌ای برای توقف درگیری‌ها و رسیدن به یک تفاهم سیاسی ایجاد شده، طرف آمریکایی تلاش کرده با افزایش مطالبات و تغییر شرایط، معادله را دوباره به نقطه تنش بازگرداند. این نخستین بار هم نیست. طی ماه‌های گذشته بارها مشاهده شد که هر زمان احتمال کاهش درگیری‌ها تقویت شده، همزمان فشارهای سیاسی، نظامی و رسانه‌ای طرف مقابل نیز افزایش یافته است. در همین زمینه نیویورک تایمز نیز فاش کرد: «بنا بر گزارشات جدید، ترامپ شرایط توافق با ایران را سخت‌تر کرده و شروط جدیدی در موضوعات هسته‌ای و تنگه‌های مرز اضافه کرده است.»

علاوه بر این، نکته دیگر اعتراف برگمن درباره ماهیت واقعی سند مورد مذاکره است. او تصریح می‌کند: «آنچه روی میز قرار دارد یک توافق نهایی نیست و بسیاری از مسائل اصلی به مذاکرات بعدی موکول شده است.» این اعتراف اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان می‌دهد بخش مهمی از فضا سازی رسانه‌های غربی درباره «حل شدن پرونده‌ها» یا «امتیازدهی گسترده ایران» فاقد پشتوانه واقعی بوده است. اما مهم‌تر از همه، بخش مربوط به لبنان است. برگمن می‌نویسد: «یکی از دلایل تشدید حملات اخیر اسرائیل در لبنان، نگرانی از محدود شدن آزادی عمل این رژیم در صورت اجرایی شدن آتش‌بس بوده است.» این جمله در واقع تأیید همان تحلیلی است که از ابتدای جنگ مطرح می‌شد؛ اینکه تل‌آویو و آمریکا نه به دنبال پایان پایدار بحران، بلکه به دنبال حفظ شرایطی هستند که امکان فشار مستمر، حملات مقطعی و فرسایش طولانی مدت را فراهم کند.

از این منظر، خبر سخت‌تر شدن شروط توافق را نباید صرفاً یک اختلاف تاکتیکی در مذاکرات دانست. این اقدام نشانه همان رویکردی است که بارها خود را نشان داده؛ رویکردی که از یک سواز مذاکره سخن می‌گوید و از سوی دیگر هر زمان احتمال رسیدن به نتیجه پدیدار می‌شود، قواعد بازی را تغییر می‌دهد. گزارش برگمن ناخواسته همین واقعیت را عیان می‌کند؛ اینکه مسئله اصلی برای واشنگتن و تل‌آویو نه رسیدن به توافق، بلکه مدیریت بحران به شکلی است که اهرم فشار و امکان بازگشت به تنش همچنان حفظ شود.

### رویای ناتمام تجزیه

آنچه امروز در اربیل زیر ضرب موشک‌های ایران قرار می‌گیرد، صرفاً یک مقر نظامی یا دفتر سیاسی نیست؛ بخشی از طرحی است که سال‌ها در تل‌آویو و واشنگتن برای تبدیل شکاف‌های قومی به ابزار فشار علیه ایران طراحی شده بود. تهران با تداوم این عملیات‌ها نشان داده است که پرونده مقابله با پروژه تجزیه را بسته تلقی نمی‌کند و هرگونه احیای آن با پاسخی سخت مواجه خواهد شد.

## فان افرز: ترامپ در دام «جنگ کوتاه» با ایران گرفتار شده است

نشریه آمریکایی «فان افرز» در تحلیلی با عنوان «ایران و تله جنگ‌های بی‌پایان» استدلال می‌کند که دولت «دونالد ترامپ» برخلاف وعده‌های پیشین خود درباره پرهیز از «جنگ‌های بی‌پایان» در غرب آسیا، اکنون درگیر جنگی با ایران شده که خروج از آن دشوارتر از آن چیزی است که در ابتدا تصور می‌شد. این تحلیل یادآور می‌شود که ترامپ سال‌ها از رؤسای جمهور پیشین آمریکا به دلیل ورود به جنگ‌های طولانی در منطقه انتقاد می‌کرد، اما اکنون خود با پیامدهای جنگی مواجه شده که به پیشیمانی منجر شده است.

این تحلیل به انتقادهای داخلی در آمریکا نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد «جان گارامندی» نماینده دموکرات کنگره، در جلسات استماع کنگره جنگ علیه ایران را «باتلاق» و «فاجعه‌ای سیاسی و اقتصادی» توصیف کرده بود.

به نوشته این نشریه، چنین رویکردی نمی‌تواند به‌تنهایی اهداف سیاسی مورد نظر را محقق کند. نویسنده تأکید می‌کند واشنگتن برخلاف حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، قادر نیست آنچه را می‌خواهد مستقیماً تصرف کند. جنگ ترامپ علیه ایران حتی اگر به یک جنگ طولانی تبدیل نشود، در دستیابی به اهداف خود به عنوان یک جنگ کوتاه نیز شکست خورده است. نویسنده این وضعیت را نمونه‌ای از «خطای جنگ کوتاه» می‌داند؛ یعنی این تصور که برتری نظامی و فناوری می‌تواند هدف را در مدت کوتاهی وادار به تسلیم کند.

### سیاست خارجی



FOREIGN  
AFFAIRS

## لااقل از فراستی یاد بگیرید!

ایمان عظیمی  
 روزنامه‌نگار

برخلاف بازنمایی‌های صورت گرفته از حضور هنرمندان و سلبریتی‌ها در تجمعات خیابانی بر علیه آمریکا و اسرائیل، آن‌ها در اغلب موارد یا اصلاً نبودند یا اگر بودند کاملاً در حاشیه قرار می‌گرفتند. تنها چند روز پیش از حمله محور اوستین به ایران، باشوخی یک مجری تلویزیونی در مورد وقایع دی ماه، تمام ظرفیت رسانه‌ای سلبریتی‌ها در گروه‌های متفاوت فکری علیه این فرد بسیج شد، اما حمله به کشور مادری‌شان باعث نشد تا در پیام‌هایی جداگانه ترامپ و نتانیا‌هورا مورد سرزنش قرار دهند.

البته نباید یک طرفه به قاضی رفت و همه را به با یک چوب راند، چون امثال مریلا زارعی، ابراهیم حاتمی‌کیا، آرمان درویش، پرواز همای و... هم در این میان بودند که بدون هیچ لکننتی از ایران، جمهوری اسلامی و رهبر شهید انقلاب گفتند و اسیر ترول‌های مجازی و روش‌های تروریستی‌شان در بایکوت و تهدید دیگری نشدند. در این میان کنش «مسعود فراستی» که از بلوای «زن، زندگی، آزادی» خودش را از قطار انقلاب و ایران پیاده کرده بود، صریح و شفاف‌تر بود.

او بارها در تجمعات خیابانی مردم غیور شرکت کرد و با سری افراشسته مظلومیت رهبر شهید و شهیدان از میناب گرفته تا دنا را فریاد زد. نوع مواجهه فراستی در مقایسه با قاطبه جماعت منتقد هم در نوع خودش زبانزد بود، چون به جز او، پرویز جاهد و سعید مستغاثی فرد دیگری در این میان پیدا نشد که رگ غیرتش برای ایران باد کند؛ اسلام و انقلاب که پیشکش!

این منتقد چند شب پیش با حضور در برنامه سینمایی «هفت» عنوان کرد که چرا ردپایی از حضور هیچ یک از سلبریتی‌های مدعی وطن دوستی در خیابان‌ها پیدا نمی‌شود؟ و چرا آن‌ها که بیشتر از همه از مواهب شغلی خود در این سال‌ها بهره‌مند و منتفع شده‌اند، دمی برنیاورند که ایران اکنون تحت شدیدترین حمله‌ها از طرف آمریکای جهان‌خوار و سگ زنجیری‌اش قرار دارد؟ این سوالی است که شاید هر کدام از ما براساس منطق خویش جوابی برای آن داشته باشیم؛ اما اکنون خود سلبریتی‌ها باید در مورد آن حرف بزنند و اتهام همسویی با دشمن را از دامن خود پاک کنند.

عادل فردوسی پور هم سر سفره برگشت

## پایان اسطوره وسط‌بازی

عادل فردوسی پور سال‌ها از رسانه ملی برای خود اعتبار دست‌وپا کرد؛ نه فقط در فوتبال، بلکه در سیاست، فرهنگ و هر موضوعی که می‌توانست برایش اعتبار



سعید قاسمی  
 روزنامه‌نگار

کسی که روزی محمد جواد ظریف را به برنامه نود می‌آورد، کسی که درباره مسائل سیاسی و اجتماعی موضع می‌گرفت، کسی که درباره رفتار و حید شمسایی اظهار نظر می‌کرد، کسی که در مورد حادثه پلاسکو خواستار استعفا شهردار می‌شد و خود را فراتر از یک چهره ورزشی تعریف می‌کرد، دیگر نمی‌تواند هنگام بحران‌های بزرگ کشور همان مند وسط‌بازی حقه‌بازانه‌ای را در پیش بگیرد که پیش‌تر گرفته بود.

با آغاز جنگ، عادل فردوسی پور مانند سلبریتی‌های هم‌کیش خود ناپدید شد؛ انگار نه انگار کشوری که سال‌ها از سفره‌ی مخاطبانش اعتبار و ثروت اندوخته بود، زیر آتش قرار دارد. تنها تصویر منتشر شده از او، حضور کوتاهی در دانشگاه شریف بود؛ رفتاری که در ادبیات منتقدان رسانه‌ای، بیشتر به یک «ژست کاسبکارانه» و فیگور رسانه‌ای شباهت داشت تا ایستادن پایمردانه کنار ملتی زخمی. او پس از این حضور و پترینی، دوباره غیب شد و زمانی سربرآورد که بوی دل‌راه‌های انحصار در پلتفرم‌های خصوصی به مشام رسید؛ بازگشت به عرصه گزارشگری در «آپارات اسپورت».

او در نخستین گزارش خود، طبق دست‌فرمان همیشگی جریان شبه‌روشنفکری، لحنی مرثیه‌سرا به خود گرفت و از «کشته‌شدگان» گفت؛ اما هرگز مشخص نکرد کدام قربانیان؟ فردوسی پور باز هم مطابق فرمول مألوف خود، از «قربانی بدون قاتل» و «جنایت بدون جانی‌کار» سخن گفت تا هم پز منتقد ارگانیک را حفظ کند و هم سرمایه‌ی اجتماعی‌اش ریزش نکند. تحلیل‌گران این جریان به خوبی می‌فهمند این لفاظی‌های دوپهلوی، نوعی موج‌سواری زندانه است؛ تلاشی برای هم‌دردی‌های مصلحتی که در ضمیر ناخودآگاه او، بیش از آنکه شامل شهادی مظلوم خط مقدم جنگ باشد، متمایل به تظہیر

یادداشت

## جشنواره فیلم ۱۰۰ آرایش جنگی گرفت

محمد قربانی  
 روزنامه‌نگار

جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ که همواره به عنوان یکی از دو رویداد اصلی فیلم کوتاه شناخته می‌شده، در پانزدهمین گام خود با یک چرخش استراتژیک فرمی و محتوایی به میدان آمده است. این رویداد که پیش از این پناهگاهی برای ایده‌های خلاقانه، تجربی و مینی‌مالیستی جوانان در بسترهای اجتماعی و اخلاقی بود، در دوره جدید خود به دبیری محدثه پیرهادی، مستقیماً به ویتترین هنری تقابل ژئوپلیتیک ایران با اسرائیل و آمریکا در جنگ اخیر تبدیل شده است.

انتشار فراخوان این دوره با سه محور اصلی «نبرد برای آینده»، «نبرد برای کودکان جهان» و «نبرد برای وطن»، نشان‌دهنده یک مأموریت رسانه‌ای جدید برای سینمای ۱۰۰ ثانیه‌ای است. کارکرد تاریخی این جشنواره تولید آثاری صریح، پرکوبش و واجد ارزش‌های بصری مینی‌مالیستی بود که بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، بیشترین تأثیر حسی را روی مخاطب بکشایند. اکنون در فضای پس از جنگ، مدیران فرهنگی به دنبال استفاده از همین کپسول‌های تصویری برای روایت رنج‌ها، حماسه‌ها و واقعیت‌های میدانی نبرد هستند.

در تحلیل محورهای سه‌گانه، کاملاً عیان است که «نبرد برای کودکان جهان» مستقیماً به فجایع انسانی، بمباران پناهگاه‌ها و نسل‌کشی غزه و پدیده‌های مشابه در جریان حملات موشکی اشاره دارد؛ موضوعی که پیوند عمیقی با تروماهای کودکان جنگ‌زده دارد. بخش «نبرد برای وطن» نیز که با یک استثنای ساختاری، سقف زمانی اثر را از ۱۰۰ به ۳۰۰ ثانیه افزایش داده، نشان می‌دهد سیاست‌گذاران برای بازنمایی دفاع شهری و ابعاد حماسی جنگ رمضان، انعطاف به خرج داده‌اند.

بررسی ادبیات حاکم بر مصاحبه‌های ادوار گذشته این جشنواره نشان می‌دهد که «فیلم ۱۰۰» قرار است تمرینی برای عبور از شعارزدگی و رسیدن به «معنا از طریق فرم موجز» باشد. در شرایطی که مهلت ارسال آثار تا دهم مرداد تعیین شده، چالش اصلی هنرمندان متقاضی، پرهیز از بیانیه‌نویسی‌های گل‌درشت سیاسی و در عوض، تبدیل اتمسفر جنگ به درام‌های انسانی ملموس است. جشنواره پانزدهم، آزمونی بزرگ برای سینمای کوتاه ایران است تا مشخص شود آیا تک‌گویی‌های بصری و موجز ما می‌توانند راوی صادق و هنرمندانه یک نبرد سرنوشته‌ساز تاریخی باشند یا خیر.



چندین خواننده و گروه موسیقی سرشناس از حضور در رویداد دوپست‌وپنجاهمین سالگرد استقلال آمریکا انصراف دادند؛ این مراسمی توسط دونالد ترامپ و متحدانش برای بزرگداشت

## هنرمندان هم ترامپ را بایکوت کردند